

## مردم ایران در زمان شاه عباس

شاه عباس اول به جهانی، از جمله انعقاد پیمان نظامی با زمامداران مسیحی اروپا علیه حکومت عثمانی سیاست دوستی با مسیحیان را در پیش گرفت. آنچه شاه عباس را در پیشبرد این سیاست به گونه شایسته‌ای یاری رساند رفتار محبت‌آمیز ایرانیان با بیگانگان مسیحی بود.

مردم ایران به میهمان‌نوازی معروف هستند. وقتی که میهمانی به آنان وارد می‌شود آنچه در توانایی دارند از او پذیرایی می‌کنند. این خصلت در گذشته که هنوز ماشین و فرهنگ ناشی از آن سنتها و رسم‌های کهن را زیر تأثیر قرار نداده بود، بی‌گمان قوی‌تر از امروز بود، و امروز هم ایرانیان به میهمان‌نوازی در جهان شهره‌اند.

بیگانگان وقتی در زمان شاه عباس وارد ایران می‌شدند عموماً با مهربانی و ادب مردم ایران روبه‌رو می‌گردیدند. خشم و کینه در نگاه و رفتار آنان دیده نمی‌شد. آنان مقدم بیگانگان را گرمی و احترام آنان را پاس می‌داشتند. بی‌تردید، ملاحظت شاه عباس با بیگانگان، با توجه به اقتدار او و علاقه مردم به وی، و همچنین دستورهای اکید او درباره طرز رفتار با آنان نقش مؤثر داشت. ولی آنچه باید قبول داشت مقام خاص احساسات و عواطف نزد ایرانیان است و آنان برای ابراز آنها نیازی به دستور و پیروی از الگو ندارند. ایرانیان در زمان شاه عباس در خارج از کشور نیز همین خصلت شایسته را دارا بودند. در

۱۷ شوال ۱۰۰۶ هـ (۲۴ مه ۱۵۹۸ م) آنتونی شرلی از بزرگزادگان انگلستان با همراهان خود برای خدمت به شاه عباس و کمک به تجهیز سپاهیان به توپ و تفنگ از بندر ونیز به سوی ایران حرکت کرد. کشتی حامل آن هیأت در مسیر خود در جزیره زانت<sup>۱</sup> در دریای مدیترانه لنگر انداخت. هیأت شرلی که جمعاً ۲۶ نفر بود برای مدت ۱۵ روز آذوقه داشت ولی هفت روز بیشتر از آن ناگزیر به توقف گردید. با آنکه در کشتی چند ایتالیایی همکیش آنان بود، ولی هیچ کدام به آنان خواربار نداد. ویلیام پاری<sup>۲</sup> از همراهان هیأت در سفرنامه‌اش می‌نویسد «در آن کشتی چند نفر ایرانی، گرچه کافر بودند وجود داشتند که دارای آذوقه زیادی بودند. آنان تمام نیازمندیهای غذایی هیأت ما را در آن هفت روز تأمین کردند بدون آنکه هیچ پولی دریافت نمایند.»<sup>۳</sup>

هیأت شرلی پس از عبور از خاک عثمانی و تحمل بسیاری ناراحتیها و صدمه‌ها وارد ایران شد. جرج منوارینگ<sup>۴</sup> از همراهان هیأت می‌نویسد «همین که پا به خاک ایران نهادیم دفعتاً چنان تفاوتی هم در اهالی و هم در مملکت مشاهده کردیم که فوراً منتهای سرور و خوشوقتی برای ما دست داد.»<sup>۵</sup> «هر قدر [در خاک ایران] بیشتر می‌رفتیم مهربانی مردم نسبت به ما بیشتر می‌گردید. در هر قریه که سکنا می‌کردیم هر شب رؤسای آنجا پیش ما آمده لوازم ما را به ما پیشکش می‌کردند و هر کس که خانه‌اش بهتر بود ما را در آن منزل می‌داد.»<sup>۶</sup> ویلیام پاری نیز از مزیت‌های کشور ایران و رفتار نیکوی مردم ایران یاد کرد و نوشت سرانجام «وارد کشور ایران شدیم، کشوری که از همان اولین لحظه ورود فکر کردیم ما به بهشت وارد شده‌ایم. پذیرایی از ما آن چنان خوب و رفتار مردم با ما آن چنان مهربان و مؤدبانه بود که بسیار با ترکان [عثمانی] اختلاف داشت.»<sup>۷</sup> پاری پس از مدتی اقامت در ایران نظر کلی خود را دربارهٔ ایرانیان اظهار می‌دارد و می‌نویسد «مردم ایران خیلی مؤدب هستند و با بیگانگان با مهربانی و طبق اصول تمدن رفتار می‌کنند، به ویژه از موقعی که این شاه، [شاه عباس] حکومت می‌کند.»<sup>۸</sup>

پیترو دلاواله<sup>۹</sup> جهانگرد و بزرگزاده ایتالیایی پس از ورود به ایران و عبور از

1. Zente

2. William Parry

3. Sir Denison Ross (ed.) William Parry, A new and large discourse on the travels of sir Anthony Shirley Knight, by see and his Persian Adventure, Routledge and Sons Ltd. 1933. p. 102.

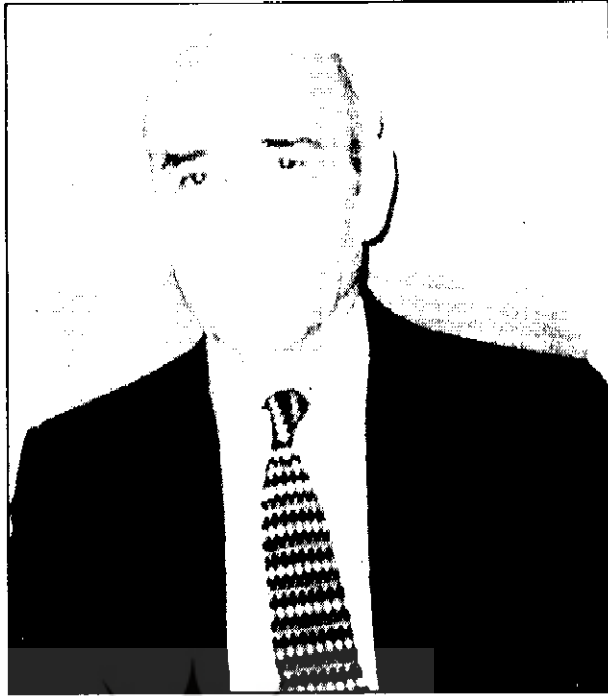
4. George Manwaring

۵. سفرنامه برادران شرلی در زمان شاه عباس کبیر، ترجمه آوانس، با مقدمه و توضیحات محبت آیین، کتابخانه منوچهری، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۷، صفحه ۵۲. ۶. همان کتاب، صفحه‌های ۵۵-۵۴.

7. Sir Denison Ross. p. 115

8. Ibid., p. 123

9. Pietro Della Valle



● دکتر منوچهر پارسادوست

قصر شیرین و کرند در محرم ۱۰۲۵ هـ (ژانویه ۱۶۱۶ م) و در زمستان وارد دهی که در اطراف پل رودخانه قره سو بود گردید. او می نویسد به علت بوران و برف سنگین «نخواستیم چادرها را برپا کنیم و به یکی از خانه های کردها که در آن عده ای زن و مرد ساکن بودند روی آوردیم. آنان با مهربانی و محبت تمام از ما پذیرایی کردند و اصولاً به نظر من کردها مردمان مهربانی هستند.»<sup>۱</sup> پیتر و دلاواله در زمستان ۱۰۲۵ هـ وارد همدان شد. زمستان آن سال در همدان بسیار سرد بود. او می نویسد «در عمرم هرگز سرزمینی به این سردی ندیده ام و نه تنها خیابانها به سختی یخ بسته است، بلکه حتی در داخل اتاق که در آنجا آتش زیادی افروخته ایم هرگونه مایعی حتی مرکب قلمدان یخ می بندد.»<sup>۲</sup> آن گاه در چنین زمستانی که کاه و یونجه کمیاب و به زحمت - و آن هم برای بیگانگان - به دست می آمد یکی از توانگران شهر برای اسبهای او و ملازمانش «مقداری علوفه و علیق که تهیه آن مقدار در محل واقعاً کار آسانی نبود فرستاد»<sup>۳</sup> و او و همسرش را نیز به میهمانی دعوت کرد. میزبان ملازمان جهانگرد ایتالیایی را هم از نظر دور نداشت و «چندین قاب

۱. سفرنامه پیتر و دلاواله، ترجمه شماع الدین شفا، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۰، صفحه

۲. همان کتاب، صفحه ۲۱.

۱۴

۳. همان کتاب، صفحه ۲۲.

پلو<sup>۱</sup> برای آنان ارسال داشت. او اضافه می‌کند مردم همدان چنان خونگرم و مهربان بودند که در آن زمستان سرد و در موقع عزیمت آنان از همدان «مردم زیادی سر راه گرد آمده بودند و تا مسافتی نیز مرا بدرقه کردند»<sup>۲</sup>

پیتر و دلواله برای دیدن شاه عباس که در فرح‌آباد مازندران اقامت داشت روانه آن ولایت گردید. او می‌نویسد در مازندران مهمانسرا نیست و الزاماً باید در خانه‌های مردم اقامت کرد. در این خانه‌ها «صاحبان آنها نه پولی طلب می‌کنند و نه اگر کرایه‌ای از این بابت داده شد تن به قبول آن می‌دهند و باید در مقابل، هدیه‌ای یا انعامی داد که در این صورت می‌پذیرند»<sup>۳</sup> پیتر و دلواله به جنگلی رسید و شب را خواست با همراهانش در چادر به سر برد. او کسانی را به دهکده‌ای که در میان جنگل بود برای تهیه خواربار فرستاد. مردم ده «اصرار کرده بودند ما به نزد ایشان برویم و شب را در آنجا به سر آوریم. ولی چون راه دور بود و نمی‌توانستیم مطابق میلشان رفتار کنیم کدخدای آنجا به اتفاق چند تن از ریش سفیدان نزد ما آمدند و با خود گوشت و آذوقه فراوانی همراه آوردند و همانجا ماندند و با آوازهای مازندرانی و کمانچه... موجبات سرگرمی ما را»<sup>۴</sup> فراهم کردند. او پس از رسیدن به ساری می‌نویسد «در اینجا نیز صاحبخانه‌های بسیار مهربانی داشتیم و برادر و خواهری که در خانه آنان ساکن بودیم کمال انسانیت و ادب را در حق ما روا داشتند»<sup>۵</sup>

سیمای کشورهای اروپایی در سده‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی گرفته و عبوس بود و اختلافهای مذهبی فضای عمومی آنها را تیره و غمبار کرده بود. در آن زمان هیچ کشوری را در اروپا نمی‌توان شناخت که مردم آن با مسلمان غریب و تازه‌واردی به آن کشور چنین رفتاری کنند و از او به گرمی و مهربانی پذیرایی نمایند. پیتر و دلواله از اسیل زادگان ایتالیا و خانواده‌اش از خانواده‌های قدیمی و ثروتمند رم بود و تعدادی از آنان به مقام کاردینالی رسیده بودند. او گذشته از مسافرت در شهرهای ایتالیا و اروپا، در سفر به شرق قریب یکسال و سه ماه در استانبول اقامت‌گزید و سپس از شهرهای آسیای صغیر و مصر دیدن کرد و با دیدار از اورشلیم، دمشق و حلب در بغداد توقف نمود و از آنجا به ایران آمد. او با وجود دیدن بسیار ناحیه‌ها درباره مازندران و مردمش می‌نویسد «زنان و مردان مازندران دارای چشم و ابروی سیاه و موهای مشکی هستند و به خصوص زنان در نظر

۲. همان کتاب، صفحه ۲۹.

۴. همان کتاب، صفحه ۱۶۷.

۱. همان کتاب، صفحه ۲۷.

۳. همان کتاب، صفحه ۱۶۴.

۵. همان کتاب، صفحه ۱۶۸.



● شاه عباس

من زیبا جلوه می‌کنند و از حرف زدن با مردان امتناعی ندارند و مانند مردان این دیار در برخورد بسیار مؤدب و مهربان هستند. همگی مردم مازندران دوست دارند خانه خود را در اختیار میهمان قرار دهند و در قبال او با کمال ادب و رأفت رفتار کنند. من در هیچ جای دیگر دنیا ندیده‌ام مردم دهات آن قدر دارای تمدن و آداب و رسوم پسندیده باشند و ملاحظه کردم ایالت هیرکانیا [نام قدیمی بخش جنوب و جنوب شرقی دریای مازندران] که به قول قدما باید عاری از تمدن و جایگاه پلنگان وحشی باشد زیباترین نقطه‌ای است که تا به حال در آسیا دیده‌ام و مردم آن متمدن‌ترین و با ادب‌ترین مردمی هستند که ممکن است در دنیا وجود داشته باشد.<sup>۱</sup>

تاورنیه<sup>۲</sup> بازرگان فرانسوی از ایران رهسپار هندوستان گردید و از کرمان عبور کرد. تاورنیه از میهمان‌نوازی ایرانیان در جای دیگر یاد می‌کند و می‌نویسد «ایرانیان حقیقتاً مردم بلندنظر و سخی طبعی هستند و با کمال خوشرویی و میل قلبی میهمان را به سفره خود می‌پذیرند و با روی گشاده غذاهای خود را به او می‌خورانند و بسیار تعجب می‌کنند از اینکه فرنگی‌ها در وقت صرف غذا در را می‌بندند و از ورود میهمان ناخوانده

۱. همان کتاب، صفحه ۱۶۳.

جلوگیری می نمایند.<sup>۱</sup> او شش بار در فاصله سالهای ۱۶۳۲ تا ۱۶۶۸ م و در دوران پادشاهی شاه صفی جانشین شاه عباس اول، شاه عباس دوم و شاه سلیمان به ایران سفر کرد و سه بار نیز در بازگشت از هند به ایران آمد. تاورنیه با اقامت طولانی در ایران دربارهٔ ایرانیان نظر می دهد «در ایران ادب و نزاکت بهتر و ذوقهای لطیف بیشتر از مملکت عثمانی دیده می شود. ایرانیان در میان همهٔ مردم آسیا از این مزیت برخوردارند که نظم و عدالت را دوست دارند و در همهٔ کارها با خارجیان و خصوصاً آنان که از اروپا می آیند و بیش از همه با فرانسویان به نیکی رفتار می کنند.»<sup>۲</sup>

شاردن پژوهشگر و جواهر فروش فرانسوی که بیش از یازده سال در ایران به سر برد و کتاب گرانقدری دربارهٔ ایران و ایرانی از خود به یادگار گذاشت می نویسد نکته‌ای که به نظر من در زندگی ایرانیان «بسیار ستوده و در خور تحسین و آفرین می نماید میهمان‌نوازی آنان است. در خانه ایرانی هنگام صرف ناهار یا شام به روی همگان باز است. نه تنها کلیه کسانی که در خانه‌اند از غذا سهمی دارند بلکه... کسانی که در آن هنگام به طور غیر مترقب وارد خانه می شوند به خوشرویی و گرمی پذیرایی می گردند.»<sup>۳</sup> در زمان صفویان بسیاری از ولایتها و شهرها ملک اختصاصی شاه و متعلق به او بود. در نظام اداری صفویان برای شهرها و ولایتهای متعلق به شاه و دولت مقام‌های اجرایی و مذهبی جداگانه انتخاب می شد. صدر خاصه - بالاترین مقام مذهبی و مسئول کلیه امور مذهبی در ولایتهای متعلق به شاه - شاردن را که مسیحی و مذهب پروتستان داشت به میهمانی دعوت کرد و از او به گرمی پذیرایی نمود. او می نویسد «مناسب است بگویم من اکنون در کشوری به سر می برم که مردم آن به میهمان‌نوازی شهره‌اند. به جرأت می توان گفت که در سراسر گیتی هیچ مملکتی وجود ندارد که مردمانش چنین نرمخو و مهربان و میهمان‌دوست باشند.»<sup>۴</sup> شاردن در جای دیگر می نویسد «یکی از پسندیده‌ترین صفات ایرانیان انسانیت و عطف آنان نسبت به بیگانگان است. استقبال گرم از خارجیان، حمایت و صیانت آنان و خوش پذیرایی از تمام عالمیان، تساهل حتی نسبت به مذاهب مجعول و کاذب و نفرت آمیز در نظر ایشان، این همه از خصوصیات ممتاز ایرانیان است... ایرانیان در مورد مذهب بسیار نیک فطرت و با مروت می باشند، حتی برای

۱. تاورنیه، کتاب پنجم، جاب سوم، صفحه ۶۲۲.

۲. سفرنامه تاورنیه، ترجمه حمید ارباب شیرانی، انتشارات نیلوفر، تهران ۱۳۸۳، صفحه ۲۴۳.

۳. سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، انتشارات توس، جلد دوم، تهران ۱۳۷۲، صفحه ۸۳۸ و با عبارت اندکی متفاوت در سفرنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، امیرکبیر، جلد چهارم، تهران ۱۳۴۵، صفحه‌های ۲۵۵ - ۲۵۴.

۴. سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، جلد دوم، صفحه ۶۳۲.



کسانی که مذهب ایشان را پذیرفته‌اند اجازه ترک آیین جدید و معاودت به دین قدیم را می‌دهند.<sup>۱</sup> او پس از انتقاد از بعضی از خصلتهای ناپسند ایرانیان مانند تملق و چاپلوسی که شخصیت ایرانی را به تباهی کشانده است درباره خصلت میهمان‌نوازی ایرانیان می‌نویسد «تعریف مزبور را من برای محیط یک کشوری بیان می‌کنم که در آن خصلت نوازش و مهربانی مافوق تمام ممالک عالم حکمفرما می‌باشد.»<sup>۲</sup>

تاورنیه و شاردن پس از درگذشت شاه عباس و در زمان جانشینان او به ایران آمدند و نظریه‌های آنان حاکی از خصیصه‌های عام مردم ایران درباره میهمان‌نوازی از بیگانگان است. بسیاری از کسانی که بعد از شاه عباس به ایران آمدند این خصلت عام ایرانی را مورد تأیید قرار داده‌اند. کمپفر<sup>۳</sup> نیز که با هیأت سوئدی و در زمان شاه سلیمان به ایران آمد تصریح می‌کند «در بعضی از ولایتها مردم آن قدر میهمان دوست هستند که با ساز و دهل در خارج شهر به استقبال میهمانان غریب می‌روند و به آنان گل و نوشیدنی و میوه هدیه می‌دهند و با شکوه و جلال آنان را تا منزلشان بدرقه می‌کنند.»<sup>۴</sup>

۱. سفرنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، جلد چهارم، صفحه ۱۴۷.

۲. همان کتاب، جلد سوم، صفحه ۲۲۲.

3. Engelbert Kampher

۴. سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهانداری، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۶۳، صفحه ۲۴۳.



● تصویر پیتر دلاواله جهانگرد ایتالیایی که به ایران آمد

فقط خصلت میهمان‌نوازی ایرانیان نبود که توجه خاص بیگانگان را به خود جلب می‌کرد، بلکه عامل مهمی که بیش از آن علاقه و احترام مسیحیان را جلب می‌نمود مدارای مذهبی مردم ایران بود. در زمانه‌ای که مسیحیان در قلمرو عثمانی مورد زجر و آزار قرار می‌گرفتند و کشورهای اروپا گرفتار جنگهای مذهبی بود و مسیحیان مخالف مذهب حاکم - کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها - در زادگاه و کشور خود در اروپا در نگرانی و هراس به سر می‌بردند، ایرانیان با مسیحیان از هر فرقه‌ای که بودند با مدارا رفتار می‌کردند و هیچ‌گونه آسیبی به آنان نمی‌رساندند. خوی مردمی و خصلت انسان‌دوستی ایرانی تعیین‌کننده رابطه‌های ایرانی با پیروان مذهبهای مختلف بود. ایرانی با خوشرویی با مسیحیان دیدار می‌کرد، و از آن مهمتر، در روزگار کینه‌ورزی مذهبها با یکدیگر، با مسیحیان به ملائمت درباره مذهب به بحث می‌پرداخت و در جریان بحث که معمولاً می‌بایست با ابراز تعصب و خشونت همراه می‌شد ادب و نزاکت را حفظ می‌نمود. این خصلتهای اجتماعی ایرانی که تحسین و احترام اکثر مسیحیانی که درباره ایران کتاب نوشته‌اند برانگیخته است، به مسیحیان امکان می‌داد با آرامش خاطر در ایران دوران شاه عباس اقامت گزینند و با ایرانی رابطه‌های غیر خصمانه و حتی دوستانه داشته باشند. مسیحیان با به یاد داشتن بیدادگرهای ترکان عثمانی و ستمهایی که بر آنان روا



می‌داشتند، ایرانی مسلمان را به گونه دیگری می‌دیدند. در عثمانی، ترک مسلمان با آنان دشمنی می‌ورزید و ایرانی مسلمان مقدم او را گرامی می‌شمرد و با او به نیکویی رفتار می‌نمود. در عثمانی، ترک مسلمان بر پایه احکام مذهبی او را کافر می‌شمرد و بر آن اساس با او برخورد می‌نمود، ولی ایرانی مسلمان با وجود داشتن چنان باور مذهبی و کافر شمردن مسیحی با او به مدارا رفتار می‌نمود.

نکته مهم دیگری که در رابطه‌های ایرانیان و مسیحیان اروپا و نزدیک کردن آنان به یکدیگر نقش داشت نبود هرگونه رابطه خصمانه بین ایران و کشورهای اروپایی و هرگونه جنگ میان آنها بود. پس از نبردهای میان ایرانیان و روم شرقی - بیزانس - که پیش از اسلام و حدود ۵۰۰ سال طول کشید، به مدت ۸۵۰ سال که ایران از کشته شدن یزدگرد سوم تا پادشاهی شاه اسماعیل اول - از ۶۵۱ م تا ۱۵۰۱ م - استقلال خود را از دست داده بود، و تنها ناحیه‌هایی از سرزمین وسیع ایران به مدت کوتاه از استقلال برخوردار بود، هیچ نبردی میان ایرانیان و کشورهای مسیحی اروپا روی نداده بود. ولی پادشاهان عثمانی همواره به سرزمینهای اروپا هجوم می‌آوردند و به کشتار مسیحیان و غارت اموال آنان و برده کردن زنان، دختران و پسران می‌پرداختند. نبود هرگونه رابطه خصمانه میان ایرانیان و مسیحیان اروپا و تداوم آن در طول نسلها ذهنیت تاریخی آنان را از اثرهای عنادآمیز و خشم‌انگیز دور نگه می‌داشت و به آنان امکان مرادوه راحت و عادی می‌داد. مسیحیان اروپا نه در گذشته‌ای که می‌توانست در حافظه آنان زنده و فعال باشد، و نه در حال هیچ جنگی با ایرانیان نداشتند و ایرانیان نیز هرگز سرزمین آنان را مورد تاخت و غارت قرار نداده بودند. آنان از این لحاظ، و بدون هیچ پیش زمینه ذهنی که دیدار آنان را با کراهت همراه کند با یکدیگر روبه‌رو می‌شدند و به گفتگو می‌نشستند.

شاردن می‌نویسد «ترکان عثمانی به سبب تضاد مذهب پیوسته با مسیحیان سرخصومت دارند و در اندیشه جنگند. به سخن دیگر تباین دین بیش از طبع خشن و ناسازگارشان آنان را به جدال با ما برمی‌انگیزد و هر جا و هر زمان فرصت یابند نقد جان و مال مسیحیان می‌کنند. اما ایرانیان نه چنین‌اند... ایرانیان به طبع مردمانی آرام و سازگار و دارای عواطف و احساسات انسانی می‌باشند، [به همین جهت] هرگز تضاد میان آنان و مسیحیان روی نمی‌دهد. ایرانیان لطیف طبع و منطقی و صاحب فکر روشن می‌باشند و همین خصیصه‌های بلند و عالی آنان را به عالم ادبیات و هنر و علوم مختلف رهنمون می‌شود و دیگران، [از جمله مسیحیان] را به مصاحبت ایشان برمی‌انگیزد.»<sup>۱</sup> شاردن که

۱. سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال بغمایی، جلد چهارم، صفحه ۱۵۹۲.

فرانسوی است و به علت پروتستان بودن و خشونت‌های کاتولیک‌ها ناگزیر به ترک فرانسه و مهاجرت به انگلستان گردید در جای دیگر می‌نویسد «از جمله خصیصه‌های عالی ایرانیان دوستداری و مردمی و مهربانی آنان نسبت به افراد خارجی می‌باشد. پذیرایی و حمایتی که از بیگانگان می‌کنند، میهمان‌نوازی که بی تفاوت نسبت به افراد هر مملکت به عمل می‌آورند، و مراعاتی که حتی درباه کسانی که پیرو مذهب باطل هستند به جا می‌آورند به راستی اعجاب‌انگیز و در خور تحسین و آفرین است. اگر روحانیان را که همانند پیشوایان ادیان دیگر و شاید بیشتر از آنان نسبت به پیروان مذبه‌های دیگر دلی آکنده از کینه و نفرت دارند استثنا کنید درمی‌یابید که دیگر جماعات مردم ایران درباره مذبه‌های دیگر بسیار آسانگیر و اهل تسامح و تساهل‌اند.»<sup>۱</sup>

خصلت مدارای مذهبی در ایرانیان تا به آن حد ریشه‌های نیرومند داشت که به کلیسای مسیحیان می‌رفت و در آنجا با ادب و احترام رفتار می‌نمود. شاه عباس از کلیسای مسیحیان در اصفهان دیدار می‌کرد؛ برای ساخت کلیسا از اراضی متعلق به خود زمین می‌داد و کمک مالی می‌نمود و حتی در مراسم خاج شویان - شستن صلیب در آب مقدس - شرکت می‌کرد. مردم عادی نیز به کلیسا می‌رفتند و احترام آن مکان را محفوظ می‌داشتند. یک مسیحی ایتالیایی که با یک ایرانی دوستی داشت می‌نویسد ایرانیان «برای مذبه‌های دیگر احترام قایل‌اند. حتی دوست [ایرانی] بزرگزاده من هر وقت به کلیسای کاتولیکها می‌آمد، در مقابل محراب زانو می‌زد و خیلی آرام و دقیق به گفته‌های کشیش گوش می‌داد، ولی از مسلمانی خود دست بردار نبود.»<sup>۲</sup>

مدارای مذهبی ایرانیان همراه با روحیه کنجکاوی و علاقه به فراگیری و کسب دانش و معلومات موجب گردید که ایرانیان برای آشنایی با اصول و احکام مذهب مسیح با مسیحیان به گفتگو پردازند و آنان نیز درباره مذهب اسلام با ایرانیان سخن بگویند. این نکته واجد اهمیت خاص است و گواه پرقدرتی از دور بودن ایرانیان از داشتن تعصب مذهبی است. ایرانی سده‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی که فضای اجتماعی آن زمان از کینه‌های مذهبی آکنده بود و مذهب بر اندیشه و احساس مردم آن روزگار حاکمیت داشت، رها از فشارهای محیط، با همنشینی با کافر درباره مذهب و اعتقادهایش صحبت می‌کرد و به او امکان می‌داد که نظرهایش را در مورد مذهب اسلام آزادانه با وی در میان بگذارد، بی

۱. همان کتاب، جلد ۲، صفحه ۷۶۲.

۲. جووانی فونچسکو کاردی، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، اداره فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، تبریز ۱۳۲۸، صفحه ۱۶۷.

آنکه او را و مذهبش را مورد توهین و بی احترامی قرار دهد.

شاه عباس از کشیش مورد علاقه اش ژان تاده<sup>۱</sup> که مترجم او نیز بود خواست چاپخانه ای از رم برایش وارد کند. پیتر و دلاواله که در سراسر کتابش به مذهب کاتولیک و جنگ با عثمانی علاقه خاص ابراز می دارد از دستور شاه برای آوردن چاپخانه و چاپ کتاب احساس شادی می کند و با اعتقاد به علاقه ایرانیان به کسب آگاهیها و تمایلشان برای گفتگوی مذهبی با مسیحیان می نویسد چون «ایرانیان آدمهای بسیار کنجکاوی هستند و عده زیادی از آنان به فلسفه و علوم دیگر آشنایی دارند، بدین طریق کتابهای [مذهبی] ما را با کمال میل خواهند خواند. آنان حتی اکنون نیز برخلاف ترکان [عثمانی] که با سماجت از شنیدن هر مطلبی امتناع می کنند با کمال میل درباره مسایل دینی به صحبت می پردازند و مایلند از مذهب ما اطلاعاتی به دست آورند.»<sup>۲</sup>

ایرانیان نه تنها در زمان صفویان بلکه حتی در دوره قاجاریان که حاکمیت مذهب بر جامعه استواری بیشتر یافت واجد خصلت مدارای مذهبی بودند و از بحثهای مذهبی و شنیدن نظریه های مسیحیان درباره دین اسلام کناره نمی گرفتند و واکنش خشونت آمیز نشان نمی دادند. تانکوانی<sup>۳</sup> از همراهان سر تیپ گاردان که از سوی ناپلئون به دربار فتحعلیشاه آمده بود می نویسد «مساله ای که به طور اساسی ایرانیان را از ترکان [عثمانی] متمایز می کند این است که می توان نزد آنان هر چه درباره اعتقادات مذهبی شان می اندیشیم و ایراداتی که داریم همه را صریح و پوست کنده - البته بدون توهین و تحقیر - خیلی راحت مطرح کرد.»<sup>۴</sup> او در جای دیگر تأکید می کند «اعتراف می کنم که ایرانیان مردمی زنده دل و دوست داشتنی هستند و از تعصب جاهلانه که در پاره ای از موارد موجب دوری ما از عثمانی ها می گردد در آنان اثری دیده نمی شود.»<sup>۵</sup>

شاردن به نکته شایان توجهی اشاره می کند. او می نویسد «آنچه در خور تعظیم و احترام است»<sup>۶</sup> توجه ستودنی ایرانیان به دعاهای هر فرقه مذهبی و اعتقاد آنان به این امر است که این دعاها نیز مورد قبول پروردگار قرار می گیرد. او تصریح می کند ایرانیان «هر وقت بیمار می شوند و یا گرفتاری و نگرانی دیگری برایشان روی نماید به مقدسان و

1. Jean Tadeh

۲. پیتر و دلاواله، صفحه ۳۲۴.

3. Tancoigne

۴. سفرنامه ژ. ام. تانکوانی، نامه هایی درباره ایران و ترکیه آسیا، ترجمه علی اصغر سعیدی، نشر چشمه، تهران

۵. همان کتاب، صفحه ۲۰۳.

۱۳۸۳، صفحه ۲۳۳.

۶. سفرنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، جلد دوم، چاپ سوم، صفحه ۷۶۳.

پیشوایان مذہبهای حقه دیگر نیز التجا می‌جویند و آنان را به شفاعت برمی‌انگیزانند، و این واقعیتی است که من خود هزار بار شاهد آن بوده‌ام. گرچه در آیین اسلام هر عمل خیری نوعی عبادت است، اما من پیروی از این نظرات بلند و تأثرات اخلاقی و انسانی را حاصل تعلیمات مذہبی نمی‌دانم و بر این اعتقادم که این خصوصیت متعالی حاصل نرمخویی و طبع ملایم و پاکیزه‌دلی ایرانیان می‌باشد که اصولاً با مشاجره و مجادله و خشونت و وحشیگری موافقت ندارند.<sup>۱</sup>

در زمان شاه سلطان حسین که متعصب خرافاتی و در عین حال باده‌گسار و به گونه افراطی زن‌باره بود سختگیری نسبت به پیروان مذہبهای غیر از شیعه دوازده امامی افزایش یافت. کشیش لاماز<sup>۲</sup> که در زمان او از باکو و از راه رشت به قزوین آمد در سفرنامه خود می‌نویسد که در قزوین حدود ۳۰ خانوار ارمنی زندگی می‌کنند. آنان در بالای بام یک کاروانسرا نمازخانه کوچکی برپا نموده‌اند و چهار کشیش در آنجا خدمت می‌نمایند. این کشیشان چون مراجعه‌کننده زیادی ندارند تأمین معاش آنان از این راه مقدور نیست. آنان «به من گفتند که معاش آنان به وسیله انعام کاروانهایی که می‌آیند و می‌روند و صدقه زنان مسلمان برای خواندن دعا برای آنان و بچه‌هایشان تأمین می‌شود. هنگامی که من در قزوین بودم شش نفر کفاش مسیحی به سبب آنکه منع شد که مردم از صنعتگران مسیحی جنس نخرند و به آنان کار ندهند ترک مذہب خود کردند.»<sup>۳</sup> شگفتی است و شایان توجه است. زن ایرانی مسلمان چون منع شد که از فرد عادی مسیحی کفش نخرد، دستور را اجرا می‌کند، ولی به خاطر آزاداندیشی و احترام به مذہبها از کشیش مسیحی که می‌بایست او را کافر می‌شمرد می‌خواهد برای بچه‌هایش دعاهای مرسوم مذہب خود را بخواند و به او اجرت نیز می‌دهد زیرا اعتقاد دارد مقبول درگاه پروردگار قرار می‌گیرد.

هیأت‌های مذہبی که همزمان با کشف دریاها و قاره‌ها از سوی پاپها، نمادهای مذہبی و پادشاهان مسیحی اروپا به کشورهای مختلف اعزام می‌شدند موظف به تبلیغ دین مسیح و کوشش برای متمایل ساختن مردم آن کشورها به پذیرش دین مسیح بودند. آنها با مسیحی کردن برخی از افراد و ایجاد اختلاف مذہبی در میان مردم آن کشورها کانونهای

۱. همان کتاب، همان صفحه.

2. Père de Lamaze

۳. نامه‌های شگفت‌انگیز از کشیشان فرانسوی در دوران صفویه و افشاریه، ترجمه بهرام فره‌وشی، اندیشه جوان، تهران ۱۳۷۰، صفحه ۷۰.

اولیه نفوذ کشورهای اروپایی و سپس تسلط استعماری آن کشورها را به وجود آوردند. استعمارگران، مردم آن سرزمینها را - همان طور که بعد روی داد - از کاروان پیشرفت باز می‌داشتند و برای طولانی کردن نفوذ بر آن کشورها و غارت ثروت آنها می‌کوشیدند مردم آنها را در جهل و عقب‌ماندگی نگاه دارند. طبیعی بود مردم کشورها که به مذهب خود علاقه‌مند و پایبند بودند از کشیشان که نماینده مذهب مخالف و عامل دوری‌گزیدن بعضی افراد از مذهب نیاکان خود بودند به نظر بدگمانی می‌نگریستند و حضور آنان را در جامعه خود بر نمی‌تافتند. ایرانیان نیز به گونه عام با کشیشان احساس موافق نداشتند، ولی حضور آنان را در کشور خود بدون آنکه به آنان آسیبی برسانند تاب می‌آوردند. این خصلت در زمانه‌ای که مذهب عامل اصلی تعیین‌کننده رفتار و گفتار آدمی بود واجد اهمیت است.

ساموئل گرین ویلر بنجامین<sup>۱</sup> از مأموران وزارت خارجه امریکا که «مدت ۲۳ سال در نقاط مختلف مشرق»<sup>۲</sup> اقامت داشته و مدت دو سال از ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۵ در زمان ناصرالدین شاه به عنوان نخستین سفیر امریکا در ایران بوده است درباره رفتار ایرانیان با کشیشان می‌نویسد «ایرانیان، کشیشان بیگانه را که از مدت طولانی در میان آنان متمکن هستند دوست ندارند. اگرچه به موجب شرط نامه، [موافقتنامه] کشیشان اجازه دارند که در ایران اقامت نمایند، با این وصف باید دانست که به واسطه اجازه یا مهربانی ایرانیان است که کشیشان می‌توانند در آنجا باقی بمانند، نه به واسطه حقانیت خود. من همین امر را دلیل قوی بر مهربانی ایرانیان می‌دانم که کشیشان ما را می‌گذارند در مملکت ایران باقی بمانند، و در واقع هیچ صدمه‌ای به آنان نمی‌زنند.»<sup>۳</sup> در دوران پادشاهی شاه عباس اول و جانشینانش تعداد زیادی از کشیشان در ایران اقامت داشتند، ولی در آن روزگاران هیچ روحانی ایرانی در هیچ کشور مسیحی اروپایی جرأت سکونت نداشت. شاه عباس هیأتی را به سرپرستی حسینعلی بیگ بیات برای ایجاد رابطه با کشورهای اروپایی اعزام داشت و یک روحانی را نیز همراه آنان کرد. متعصبان مذهبی اسپانیا آن روحانی را که قصد اقامت در آن کشور را نیز نداشت به قتل آوردند.

شاه عباس برای رسیدن به مقاصد خویش، نظر به ایجاد و تحکیم رابطه‌های نزدیک

۱. Samuel Green Willer Benjamin

۲. ساموئل گرین ویلر بنجامین، ایران و ایرانیان، خاطرات و سفرنامه، به اهتمام رحیم‌زاده سلک، نشر گلبانگ،

۳. همان کتاب، همان صفحه.

تهران ۱۳۶۳، صفحه ۲۲۲.

با کشورهای اروپایی و مردم آن داشت و مردم ایران با داشتن خصلت میهمان‌نوازی و رفتار نیکو با بیگانگان و حتی کشیشان به شاه صفوی کمک کردند که در پیشبرد مقاصد خود با آسودگی خاطر بیشتر اقدام نماید. بیگانگان، به ویژه اروپاییان در ایران، با رفتار ملاطفت‌آمیز شاه، محبت و مساعدت حاکمان محلی که عموم بازرگانان و جهانگردان بیگانه در کتابهای خود آن را تایید نموده‌اند، مهربانی و میهمان‌نوازی مردم ایران خود را به جهانی آسوده‌تر از اروپا که تا معاهده وستفالی در ۱۶۴۸ م درگیر جنگهای مذهبی بود می‌دیدند، و احتمالاً به تعبیر ویلیام پاری از همراهان هیأت شرلی خود را در «بهشت» احساس می‌نمودند. ایران با آبادانی کشور در زمان شاه عباس و مهربانیهای او و با توجه به رفتار خصمانه ترکان عثمانی با بیگانگان مسیحی بهترین کشور شرق برای اقامت مسیحیان بود. آنان در اجرای مراسم مذهبی خود آزاد بودند و احدی یارای جلوگیری از آن را نداشت؛ هر قدر می‌خواستند می‌توانستند کلیسا بسازند و شاه و مردم نیز کلیسای آنان را محترم می‌شمردند. در دنیای سده‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی در هیچ یک از کشورهای شناخته آن زمان مزیت‌های بالا برای هیچ فردی دارای مذهب غیر از مذهب حاکم بر کشور وجود نداشت.

انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر کرد:

● فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان (دفتر چهارم)

● نقد مجموعه آثار داستانی اسماعیل فصیح و چند

داستان از احمد محمود، زویا پیرزاد، امیر حسین چهل

تن و فتانه حاج سید جوادی / آناهید آجا کیانس / ۱۸۵

ص / ۱۲۰۰ تومان

● دفتر دگر سانیها در غزل‌های حافظ (برگرفته از

پنججاه نسخه خطی سده نهم) ۲ جلد / دکتر سلیم

نیساری / ۱۵۹۸ ص / ۱۳ هزار تومان

فرهنگستان زبان و ادب فارسی - تهران - خیابان ولنجک - خیابان

بانزدهم شرقی - شماره ۳۶

تلفن: ۸-۲۲۴۱۴۳۹۳